

موضوع : چرا خدامارادراین خانواده قرار داد
Started at ۱۳۹۱/۰۹/۰۳ ۱۹:۴۹ by علی پارساپور (a.p)
Visit at <http://www.askdin.com/showthread.php?t=24508>

[پست 1]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : ۱۳۹۱/۰۹/۰۳ ۱۹:۴۹
عنوان : چرا خدامارادراین خانواده قرار داد

سلام چرا خدا بنده هاشو یکی رو توخانواده ای پولدار میزاره یکی رو داخل خانواده فقیر مگه بنده های خدا با هم فرق دارن که خدا اینکارو میکنه ویا یکی رو سفید می افریند یکی رو سیاه یکی رو معلول یکی را سالم با تشکر لطفا پاسخ دهید

کارشناس بحث : شعیب

[پست 2]

نویسنده : شعیب
تاریخ : ۱۳۹۱/۰۹/۰۹ ۱۵:۴۵

با سلام وخدمت شما دوست گرامی
:برای رهیافت بهتر به جواب به چند مقدمه توجه بفرمایید
1. دنیای ما مادی است و آثار ماده در آن جریان دارد .
2. دنیای ماده دار تزااحمات است بدین معنی که هر کدام از اجزای ماده مکان و زمان خاص خود را داشته و برای جایگزین شدن به جای هم برخورد هایی دارند
3. باید توجه کرد که هر معلولی علت خاص خود را دارد . و دنیای ما تحت قوانین علی و معلولی اداره می شود بدین معنی که اثر آتش سوزانندگی است و اثر آب رفع تشنگی چاقو می برد چه سبب را و چه گلو را
4. انسان ها در دار تزااحمات(ماده) امتحان می شوند و مکلف هستند
5. هر کسی به اندازه ای که خدا به او امکانات داده است تکلیف می خواهد
6. به ناچار برخی در این دنیا در سطح پایین تر بوده و برخی بالاتر هستند و همین اختلاف زمنه امتحان را بهتر فراهم می سازد
7. انسان بالتبع مدنی است یعنی باید در اجتماع زندگی کند و این اجتماع حیاتش به اختلاف است بدین معنی که برخی در سطح بالا تر از نظر علمی بوده و برخی پایین تر است برخی دکتر می شوند و برخی نانوا برخی کشاورز و برخی بنا و ... و اگر همه در یک سطح بودند جامعه اداره نمی شد (البته به صورت طبیعی راه برای همه باز است ولی گاهها موانعی است) پس این اختلافات برای بقای جامعه ضروری است.
:با این مقدمات به سراغ جواب سوالات شما می رویم

[پست 3]

نویسنده : شعیب
تاریخ : ۱۳۹۱/۰۹/۱۲ ۲۰:۵۳

سلام چرا خدا بنده هاشو یکی رو توخانواده ای پولدار میزاره یکی رو داخل خانواده فقیر مگه بنده های خدا با هم فرق دارن که خدا اینکارو میکنه ویا یکی رو سفید می افریند یکی رو سیاه یکی رو معلول یکی رو سالم در این سوال از دو گونه امور پرسش شده است یکی سوال از شرائط اقتصادی و محیطی است که عاملی است خارجی و عارضی و دیگری مساله ی زشتی(سیاهی) و زیبایی(سفیدی) ظاهری که مربوط می شود به نحوه ی وجود خود شخص. لذا این سوال از دو زاویه باید پاسخ داده شود. پس ابتدا به مساله ی زشتی و زیبایی پرداخته می شود و در انتها مساله تفاوت در شرائط اقتصادی و محیطی مورد بررسی قرار می گیرد در پاسخ به مساله ی زشتی و زیبایی بدنی بررسی چند مساله لازم است که حاصل این مسائل پاسخ نهایی را تأمین می کند.

1- عالم ماده ، دار علت و معلول

شکی نیست که قانون علیّت یک قانون جهان شمول است ؛ و هیچ مخلوقی از حکم این قانون خارج نیست ؛ لذا موجودات و فعل و انفعالات مادی هم ، دارای علل خاص خودند ؛ به قول معروف همواره « گندم از گندم بروید جو ز جو » و « از کوزه همان برون تراود که در اوست.» بر این اساس از زمین خوب و حاصلخیز گیاه خوب می روید و در زمین نامرغوب گیاه نامرغوب رشد می کند. « وَ الْبَدَلُ الْبَطِيءُ لَا يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَرَّبْتُ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا : سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار مبروید؛ اما سرزمینهای بد طینت ، جز گیاه ناچیز و ببارزش، از آن مبروید. « (الأعراف/58) اگر دو درخت مثل هم ، در دو زمین متفاوت از نظر مرغوبیت خاک کاشته شود ، یقیناً دو نتیجه ی متفاوت خواهیم داشت ؛ همچنین اگر دو درخت مثل هم ، در دو زمین مثل هم کاشته شده ولی با دو آب متفاوت — مثلاً یکی با آب شور و دیگری با آب شیرین — آبیاری شود باز دو نتیجه ی متفاوت مشاهده خواهیم نمود. یعنی در این عالم ، هر علتی ، معلول مخصوص به خود را دارد و محال است از یک علت خاص ، غیر معلول خودش پدیدار شود کما اینکه هر معلولی نیز علت ویژه ی خود را دارد و محال است یک معلول خاص از علتی غیر از علت خاص خود به وجود آید. این همان قانون کلی علیّت است که عالم بر اساس آن سامان یافته و اساساً همین قانون است که عالم هستی را عالم کرده است. لذا اگر قانون علیّت در هستی حاکم نبود اساساً چیزی به نام عالم خلقت نیز وجود نداشت ؛ چون عالم بودن عالم نتیجه ی تفاوت موجودات است و تفاوتها نتیجه ی قانون علیّت هستند.

پس آنچه در گیتی حاکم است قانون عام علیّت است که وجود انسان نیز نتیجه ی آن است ؛ چون از هر تخمک و اسپرم خاصی تنها و تنها یک انسان خاص پدید می آید ؛ و محال است یک شخص خاص از غیر این تخمک و اسپرم موجود شود. بنا بر این آن جنینی که از فلان پدر و مادر و از فلان اسپرم و تخمک حاصل می شود جز از همین راه ، محال بود حاصل شود. اگر مادر همین نوزاد شوهر دیگری داشت یا پدرش همسر دیگری داشت یا همین پدر و مادر او در زمان دیگری غیر از آن زمان که منجر به خلقت او شد ، باهم همبستر می شدند ، یقیناً نوزادی که به دنیا می آمد غیر از آن شخصی بود که الآن وجود دارد. پس پدید آمدن آن شخص ، جز از همان راه که پدید آمده امکان نداشته است و فرض اینکه خدا همان شخص را از راه والدین دیگری به دنیا بیاورد فرض محال و مستلزم تناقض است. چون فرض پیدایش یک معلول از غیر علت خودش به این معناست که چیزی که علت این معلول نیست علت این معلول باشد. یعنی یک چیز ، هم علت این معلول خاص باشد و هم علت آن نباشد که این تناقضی آشکار می باشد که ذاتاً محال است. پس هر کسی برای پا نهادن به دنیا تنها و تنها یک راه دارد ؛ و تنها یک اسپرم خاص و تنها یک تخمک خاص است که اگر ترکیب شوند آن شخص را به وجود می آورند و والا او به وجود نمی آید. از طرفی از ترکیب آن اسپرم و تخمک خاص نیز هر قیافه ی امکان پدید آمدن ندارد ؛ چون ژنهای موجود در اسپرم و تخمک همه گونه نمی توانند با همدیگر ترکیب شوند ، پس شکل قیافه ی شخص نیز معلول علت خاصی است که آن اسپرم و تخمک خاص هم جزء آن علت و تعیین کننده ترین جزء آن هستند. پس فرض قیافه ای غیر از همین قیافه ی موجود برای شخص ، مساوی است با فرض تغییر علت آن ، که آن نیز مساوی است با نبود همین شخص ؛ چون علت شکل قیافه ی او چیزی جز علت خود او نیست. بنا بر این ، قیافه ی طبیعی هر شخصی لازمه ی وجود اوست.

[پست 4]

نویسنده : شعیب

تاریخ : ۲۰:۵۵ ۱۳۹۱/۰۹/۱۲

2- خدا چه چیزی می آفریند؟

باید توجه داشت که خدا کسی را زیبا یا زشت نمی کند ؛ خدا فقط به هر موجودی که امکان وجود داشته باشد وجود را اضافه می کند. کار خدا تنها و تنها وجود دادن است ؛ همانگونه که کار خورشید نور دادن است. نور خورشید وقتی از شیشه ی قرمز عبور می نماید قرمز می شود و هنگامی که از شیشه ی آبی عبور می کند آبی می شود. در این مثال ، اصل نور آبی و قرمز و نور بودن آنها هر دو کار خورشید است و شیشه به هیچ وجه ایجاد نور نمی کند ؛ ولی آبی و قرمز شدن آن نور ، منتسب به شیشه است نه خورشید. به همین نحو کار خدا هم تنها وجود دادن است ؛ وقتی تخمک زن و اسپرم مرد به هم رسیدند خدا وجود می دهد چه آن تخمک و اسپرم از آن دو شخص زیبا رو باشند یا برعکس ؛ همچنین چه آن دو تخمک در وضع مناسبی به هم برسند یا در وضع نامناسبی. وجود دهنده در هر دو فرض ، فقط و فقط وجود دهنده است و آنچه عنوان زشت و زیبا بودن را موجب می شود آن اسپرم و تخمک خاص و وضع ترکیب آنهاست نه خدا که وجود دهنده است. همان گونه که وقتی کسی ، دیگری را بی دلیل می کشد ، میراننده خداست کما اینکه اگر همان فرد کشنده ، همان شخص کشته شده را از باب قصاص می کشت باز میراننده خدا بود ؛ یعنی نسبت هر دو کار برای خدا یکسان است ؛ اما در فرض اول ، شخص کشنده ، قاتل نامیده می شود و در فرض دوم قصاص کننده گفته می شود ولی هیچکدام از این عناوین به خدا نسبت داده نمی شوند و خدا در هر دو فرض ، فقط میراننده و قبض کننده ی روح است. کما اینکه وقتی فرزندی به دنیا می آید ، مرد ، پدر می شود و زن مادر ؛ اما خدا نه پدر است و نه مادر بلکه خدا تنها خالق (وجود دهنده) است. همچنین مادر ، فرزند را می زاید ولی کار خدا زاییدن نیست بلکه تنها وجود دادن است. لذا خدا نه کسی را زشت می کند نه زیبا ، نه مسلمان زاده می کند و نه کافر زاده ؛ نه حرامزاده می کند نه حلال زاده ؛ بلکه هر چه امکان وجود داشته باشد خدا به او وجود می دهد و وجود دادن در هر حال خیر و خوب است اگر چه آن وجود نسبت به امثال خود ضعیف باشد و در قیاس به وجود دیگر زشت یا زیبا شمرده شود.

[پست 5]

نویسنده : شعیب

تاریخ : ۲۰:۵۸ ۱۳۹۱/۰۹/۱۲

3- زشتی و زیبایی حقیقی و غیر حقیقی

مطلب دیگر اینکه عنوایی چون پدر ، مادر ، فرزند ، قیافه ی زشت و قیافه ی زیبا احکام ظواهر همین دنیا می باشند نه احکام باطنی وجود. لذا در آخرت نیز ، که دار وجود و دار ظهور باطنهاست ، این عناوین برداشته می شوند. « فَأِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ - فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدِينَ » پس آنگاه که در صور دمیده شود، دیگر آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد و از حال یکدیگر نمی پرسند. پس هر که میزان اعمالش سنگین باشد، آنها حقا رستگارانند. و هر که میزان اعمالش سبک باشد، آنان کسانند که به خویشان زیان زده اند و همیشه در جهنم ممانند. (مومنون : 101 - 103). البته وجود هم زیبا و زشت دارد ، اما درک زیبایی و زشتی وجود از راه حواس دنیایی ممکن نیست ؛ لذا چه بسیار افراد به ظاهر زیبا که وجودشان زشت و کریه است و چه بسیار افراد به ظاهر زشت که وجودشان زیبا و طیب و طاهر است. بنا بر این ، زیبایی و زشتی های دنیا ، ظاهری بیش نبوده صرفاً وسائل امتحان می باشند و زیبایی و زشتی حقیقی افراد در آخرت معلوم می شود. در آنجاست که بسیاری از

همین زیبا رویان دنیایی که متدین نبوده و فریب ظاهر دنیا را خورده اند در قیافه میمون و خوک و سگ و امثال آن ظاهر می شوند و در مقابل ، افراد به ظاهر زشت که اهل دین بوده اند با چهره هایی زیبا محشور می گردند. خداوند متعال از این حقیقت چنین پرده برداشته است .

هنگامی که آن (وعده الهی) را از نزدیک مبینند، صورت کافران زشت و سیاه مگرده، و به آنها گفته میشود: «این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید» (الملك: 27)

کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند؛ و تاریکی و ذلت، چهره‌هایشان را نمپوشاند؛ آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند. (یونس: 26)

آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید، و چهره‌هایی سیاه مگرده، (اما آنها که صورتهایشان سیاه شده، (به آنها گفته میشود:) آیا بعد از ایمان، و(اخوت و برادری در سایه آن،) کافر شدید؟! پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر مورزیدید؛ و اما آنها که چهره‌هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند (بود؛ و جاودانه در آن ممانند. «(ال عمران: 106، 107

در آن روز که صورتهای آنان در آتش(دوزخ) دگرگون خواهد شد ، مگویند: «ای (کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم.» «(الأحزاب: 66

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند مبینی که صورتهایشان سیاه است؛ «(آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟! «(الزمر: 60

بنا بر این ، نباید چنین پنداشت که هر که در این دنیا زیباست ، حقیقتاً هم زیباست و خدا به لطف افزونی کرده است و آنکه به ظاهر زشت است ، حقیقتاً زشت است و خدا برای او کم گذاشته است. هر چه در این دنیا به انسان داده شده یا از او گرفته می شود فقط و فقط برای امتحان است ؛ و امتحان نیز فقط و فقط برای این است که انسان به سمت کمال حقیقی خود رهسپار گردد. در این دنیا نه کسی مالک زشتی ظاهری خود است نه مالک زیبایی ظاهری خود ؛ همان گونه که ثروت و فقر نیز وسائل امتحانند.

[پست 6]

نویسنده : شعیب

تاریخ : ۲۱/۰۹/۱۳۹۱

سلام چرا خدا بنده هاشو یکی رو توخانواده ای پولدار میزاره یکی رو داخل خانواده فقیر

مسأله ی تأثیر عوامل اقتصادی و محیطی بر وجود انسان

– فقر و ثروت و عدالت الهی¹

اولاً باید توجه داشت که سعادت حقیقی انسان نه در گرو مال و ثروت است نه در گرو فقر. تاریخ روشن بشر ، گواه صادق این حقیقت است که از میان هر دو گروه ثروتمند و فقیر ، هم مومن و سعادت‌مند شده اند هم کافر و فاسق و شقی ؛ و البته ثروتمندان بیشتر به شقاوت و بدبختی حقیقی و ابدی گرفتار شده اند تا فقراء ؛ و همواره نزدیکترین افراد به انبیاء و ائمه (ع) و جهاد کنندگان در راه خدا فقراء بوده اند ؛ و اکثر دشمنان انبیاء نیز از میان ثروتمندان و دنیا داران بوده اند. لذا چنین نیست که خدا به واسطه ی اندک دادن مال دنیا به کسی در حق او ظلمی کرده باشد بلکه چه بسا در حق او احسان نموده و او را در دسته ی انبیاء قرار داده که اکثراً از فقراء بوده اند .

ثانیاً در منطق الهی مالک امور تنها خداست و غیر او تنها امانتدار خدا هستند. لذا هیچ کس بالذات ثروتمند نیست بلکه همه فقیر بالذات هستند و هیچ موجودی جز خدا ، مالک وجود خود نیست کجا رسد مالک موجود دیگری باشد. «یا ایُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَیَّ الدِّیْنُ وَ إِلَیَّ الدِّیْنُ هُوَ الْغَنَیُّ الْحَمِیدُ. — ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ و تنها خداوند است که بنیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است» (فاطر: 15). بنا بر این ، ثروتمندان ، به حقیقت مالک مال نیستند بلکه مانند کارمند یا رئیس بانکی هستند

که ثروت فراوانی به آنها سپرده شده تا طبق قانون آن را به دیگران واگذار نموده اقتصاد کشور را به گردش درآورند. لذا اگر خدا به برخی ثروت افزونتری داده چنین نیست که آن ثروت را تماماً به خود آنها داده باشد؛ بلکه خدا ثروتمندان را طبق قوانین شریعت مأمور نموده که مال را به اهلش برسانند. پس اگر چنین کردند تکلیف خود را انجام داده و اجر آن را خواهند داشت، در غیر این صورت همان مال و ثروت موقت دنیایی، موجب شقاوت و بدبختی اخروی آنها را فراهم ساخت. فقراء نیز مکلفند که هنگام نیاز جز به کرم خدا چشم نداشته باشند و جز از راه مشروع در طلب روزی برنیایند. لذا همان گونه که ثروتمندان با ثروت امتحان می شوند، فقراء نیز با فقرشان مورد امتحان قرار می گیرند بنا بر این، ثروت، صرفاً یکی از عوامل امتحان الهی است که تکلیف مضاعفی بر صاحبش موجب می شود؛ کما اینکه فقر نیز یکی از عوامل امتحان بشر است که آن هم تکلیفی را بر فقیر و غنی در پی دارد. و اساساً دنیا جای بهره مندی نیست و همه چیز آن برای خودسازی و تهیده ی توشه ی آخرت است. دنیا و ثروت و فقر آن برای کسی جدی است که نظر به آخرت ندارد؛ اگر کسی بداند که آخرت یعنی ابدیت و دنیا یعنی تنها هفتاد یا هشتاد سال زندگی پر زحمت، آنگاه متوجه می شود خوشی یا سختی چند روزه ی دنیا برابر خوشی و سختی ابدی آخرت هیچ نیست؛ چرا که هر عددی هر چند بزرگ در برابر بی نهایت، حقیقتاً هیچ است؛ نسبت عدد یک به بی نهایت، هیچ تفاوتی با نسبت عدد یک میلیون نسبت به بی نهایت ندارد؛ و هر دو مساوی صفر می باشند.

[پست 7]

نویسنده: شعیب

تاریخ: ۱۲/۰۹/۱۳۹۱ ۲۱:۱۲

– چرا روزی مردم یکسان نیست؟

شکی در این نیست که تلاش افراد در مقدار روزی آنها دخیل است. یعنی اگر افراد، دنبال روزی خود نروند در موارد بسیاری از آن محروم می شوند. درست است که خداوند متعال روزی رسان است؛ ولی چنین نیست که خدا روزی هر کسی را در دهانش بگذارد. بلی، افرادی هستند که خداوند متعال بی واسطه یا باواسطه روزی آنها را بدون اینکه تلاشی برای کسب آن بکنند می رساند. مثل کودکان شیر خوار و غیر شیر خوار و از کارافتادگان؛ و بلکه اکثر مردم روی زمین. چرا که تنها عده ی اندکی از افراد بشر کار می کنند و افراد تحت تکفل آنها از دست رنج آنها روزی می خورند. ولی به هر حال خداوند متعال روزی همه را چنین قرار نداده و روزی تعدادی از انسانها و افراد تحت تکفل آنها را در گرو تلاش خود آنها قرار داده است. چرا که اگر چنین نمی کرد کمتر کسی حاضر می شد مسئولیتهای اجتماعی خود را انجام دهد. کار از نظر اسلام، علت کسب روزی نیست بلکه یک وظیفه شرعی است و هر کسی موظف است برای بقاء اجتماع بشری تلاش کند. لکن اگر خدا روزی مردم را به کار آنها گره نمی زد کمتر کسی حاضر می شد به این وظیفه ی شرعی خود عمل کند. بنا بر این، تلاش برخی افراد برای رسیدن به روزی لازم است؛ ولی چنین هم نیست که هر کس بیشتر تلاش نمود حتماً روزی بیشتری نیز به چنگ آورد. این امری است که نیاز به اثبات ندارد چرا که با اندک توجهی به جامعه انسانی می توان این حقیقت را دریافت که گاه برخی افراد که هم اهل تدبیر و حساب و کتابند، هم اهل تلاش و کوشش، در کسب روزی بیشتر، شکست می خورند؛ و در مقابل افرادی بدون کمترین تلاش و یا حتی بدون هیچ تلاشی به ثروتهای هنگفت می رسند. این نشان می دهد که دست دیگری نیز در کار است. و اساساً یکی از حکمتهای تفاوت ارزاق نیز همین است که انسانها از این راه متوجه خدا شوند و بدانند که همه ی امور به دست اوست. لذا امیرالمومنین (ع) فرمود: «عَرَفَتِ اللّٰهَ سَبْدَ جَانَهٗ بِفَسَخِ الْعِزِّ اِثْمٍ وَ حَلِّ الْعُقُودِ وَ نَقْضِ الْهَيْمَمِ : خدا را از راه به هم خوردن تصمیمها، گشوده شدن گرهها و نقض شدن اراده ها شناختم.» (نهج البلاغه/ حکمت 250)

به تصریح قرآن کریم، توسعه و تنگی روزی در دست خداست «إِنَّ رَبَّكَ بِدَسَطِ الرَّزْقِ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ

خَدِيرًا بِصِيرًا — پروردگار تو روزی را برای هر کس از بندگان بخواید گسترده میکند، و برای هر کس بخواید محدود مسازد؛ همانا خداوند نسبت به بندگان خبیر و بصیر است.» (اسراء: 30). از ذیل آیه به دست می آید که قبض و بسط روزی، روی علی بوده و بی حکمت نیست، که خدا به بندگان دانا و به صلاح آنها عالم است. مشابه این آیه در رعد: 26، قصص: 82، عنکبوت: 62، سباء: 36، زمر: 52، نحل: 71 نیز آمده است.

البته تلاش انسان و وارد شدن از راههای صحیح در کثرت روزی بی تأثیر نیست؛ ولی به عنوان جزئی از عدل و حتی از آن هم کمتر و فقط به عنوان عدل معد (عدالت زمینه ساز) که قابلیت قابل را متمیم می کند. برای خوردن يك لیوان آب از شیر لوله کشی شهر، حرکت شخص لازم است؛ ولی این حرکت در مقابل هزاران و بلکه میلیاردها عاملی که به اذن خدا باعث شده اند تا این آب به لوله های خانه انسان برسد چه قدری دارد. یا انسان برای رسیدن به نان باید گندم بکارد. ولی نقش انسان در روییدن گندم همین است که گندم را بر زمین بپاشد و در وقت درو آن را برداشت کند. آنکه یک گندم را صد گندم می کند خداست. لذا فرمود: «آیا هیچ درباره آنچه کشت میکنید اندیشیده‌اید؟! آیا شما آن را مرویانید یا ما مرویانیم؟!» (واقعۀ 64 و 63) بنا بر این در هر کاری میلیاردها شرائط و مقدمات لازم است که جور کردن همه آنها در اختیار بشر نیست لذا قبض و بسط روزی در دست خدا است و کار و تلاش بشر تنها یکی از آن عوامل است.

بنا بر این، طبق مفاد آیات، هیچ موجودی محروم از روزی مکفی نیست. لکن در مواردی، یکی از شروط رسیدن به روزی تلاش خود افراد است. و مراد از تلاش نیز صرفاً کار کردن نیست؛ بلکه گاهی تلاش به این است که شخص یا جامعه حق خود را از دیگران بگیرد. مقدار غذا و پوشاک و وسائل راحتی که بر روی زمین وجود دارد چندین برابر نیاز بشر موجود است. لکن تنبلی، بی تدبیری، و کج فهمی عدله ای از مردم باعث شده است که حدود هشتاد درصد ثروت روی زمین در دست بیست درصد مردم قرار گیرد. آیا اگر این هشتاد درصد محروم برای احقاق حق خود قیام کنند نمی توانند حق خود را از آن بیست درصد بگیرند؟! روشن است که اگر بخواهند می توانند ولی نمی خواهند. آیا اگر مردم فلسطین، مردم عراق، مردم افغانستان و مردم دیگر ممالک گرفتار فقر، یکپارچه برخیزند نمی توانند از عهده ی اسرائیل و آمریکا و دیگر کشورهای جهانخوار بر آیند؟! اگر بخواهند می توانند؛ ولی اختلافات فکری، مذهبی، تنبلی ها، ترسها و اندیشه های نادرست اجازه چنین کاری را نمی دهد. انبیاء (ع) آمده اند تا بشر را با هم یکرنگ کنند تا در سایه ی یکرنگی، همه از مواهب خدادادی عادلانه استفاده کنند. لکن مردم تن به این تعالیم نمی دهند؛ و تا مردم تن به تعالیم الهی ندهند، این بی عدالتی در تقسیم رزق، همواره خواهد بود. این سنت خداست که هر کس آخرت را رها کرده و فقط دنیا را بخواید به آن می رسد؛ و هر کس برای آخرتش تلاش کند و مجری احکام خدا باشد، هم به اندازه ی کفاف به دنیا می رسد هم به آخرت. «آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را بطلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم — و به هر کس اراده کنیم — مدهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش مسوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. — و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند — در حالی که ایمان داشته باشد — سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد.» (الاسراء: 18 و 19)؛ «کسی که زراعت آخرت را بخواید، به کشت او برکت و افزایش مدهیم و بر محصولش مافزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او مدهیم» (امّا در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد) (الشوری: 20)

این دو آیه ی شریفه مربوط به فرد است؛ یعنی اگر فردی فقط به دنبال دنیا باشد، و آخرت را رها کند دچار سنت استدرّاج می شود و خدا او را غرق در خواسته هایش می کند و در نهایت او را وارد جهنّم می کند؛ و اگر کسی طالب آخرت باشد و در راه آن تلاش کند او نیز به آخرتش می رسد و از دنیا نیز بی بهره نمی ماند. امّا اگر یک جامعه در مسیر خدا و آخرت قرار گیرند، نه تنها آخرت مردم آن جامعه تأمین می شود، در دنیا نیز غرق در نعمت می شوند و از آفات آسمان و زمین ایمن می شوند. خداوند متعال می فرماید: «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان مآوردند و تقوا پیشه میکردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها مگشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان (مجازات کردیم.» (الأعراف: 96)

مذت نهاده بود، ما را نیز به قعر زمین فرو می برد. ای وای گویی کافران هرگز (رستگار نمیشوند. «(قصص/79 — 82

و می فرماید: « و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن خوشحال میشوند؛ و هر گاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده اند به آنان رسد، ناگهان مایوس میشوند. — آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواد گسترده یا تنگ مسازد؟! در این نشانههایی است برای گروهی که ایمان ما آورند. — پس حق نزدیکان و مسکینان و در راهماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را (مطلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگار اند. «(روم/36 — 38

ث — روزی افزون، گاه از باب مجازات الهی است؛ یعنی خداوند متعال کسانی را که خدا را فراموش کرده و به دنیا چسبیده اند با امور دنیایی مشغول می کند تا بدون اینکه خود بدانند ناگهان خود را در آتش جهنم ببینند. خداوند متعال می فرماید: «خدا روزی را برای هر کس بخواد (و شایسته بداند) وسیع، برای هر کس بخواد (و مصلحت بداند)، تنگ قرار مدهد؛ ولی آنها [کافران] به زندگی دنیا، شاد (و خوشحال) شدند؛ در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است.» (الرعد/26). «آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را مطلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم- و به هر کس اراده کنیم- مدهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش مسوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. — و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند- در حالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد (شد.)» (الإسراء : 18 و 19

ج — گاه تنگ نمودن روزی برای این است که بنده ی خدا طغیان نکند؛ یعنی همانطور که خدا روزی برخی افراد فاسق را از باب مجازات افزایش می دهد، روزی برخی افراد مومن را هم کاهش می دهد تا همواره خود را محتاج خدا ببیند و راه طغیان پیش نگیرد. همچنین اگر همه در یک سطح بودند به استخدام همدیگر در نمی آمدند، لذا افراد برای این که از داشته های دیگران استفاده نمایند متوسل به زور می شدند، همان گونه که کشورهای ثروتمند سعی می کنند با افزایش قدرت نظامی خود دیگر کشورهای ثروتمند را مطیع خود نمایند یا خود را از تجاوز آنها در امان نگه دارند. بین کمپانیهای ثروت و سرمایه داران نیز چنین رقابتهای سخت و گاهاً خونباری وجود دارد. خداوند متعال می فرماید: «چنین نیست (که شما میپندارید) به یقین انسان طغیان میکند. — از اینکه خود را بنیاز ببیند. «(علق/7 و 6) و می فرماید: «بخورید از روزیهای پاکیزه های که به شما داده ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوط میکند.» (طه : 81) و ایضاً «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِالْقَدَرِ مَا يُشَاءُ إِنَّا لَهُ بَعَبَادٌ خَبِيرٌ بِصِيرٍ — اگر خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم میکنند؛ از این رو به مقداری که میخواهد (و مصلحت بداند) نازل میکند، که نسبت به بندگانش آگاه و بیناست» (شوری : 27) همچنین فرمود: «ای کسانی که ایمان آوردهاید! هنگامی که در راه خدا گام میزنید (و به سفری برای جهاد بروید)، تحقیق کنید! و بخاطر اینکه سرمایه ی ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام میکند نگوئید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمتهای فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛ و خداوند بر شما مذت نهاد (و هدایت شدید). پس، (بشکرانه این نعمت (بزرگ)، تحقیق کنید! خداوند به آنچه انجام مدهید آگاه است.» (النساء : 94

منبع:

<http://porseman.org/q/show.aspx?id=135798>

=====